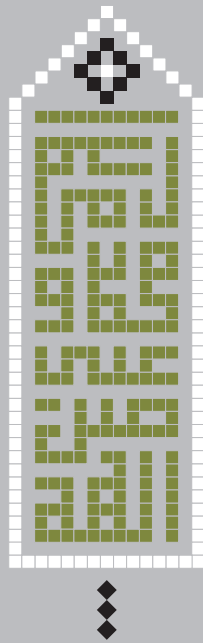


اسماء الوحي والحي



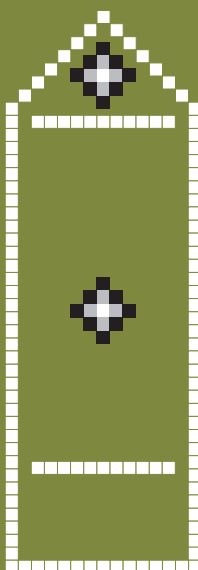
مسئله شهر

مجموعه گفت وگوهای معماری
و مدیریت شهری و علوم انسانی

همکاری مشترک

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
و روابط عمومی شهرداری تهران

گردآورنده: سیدفاضل سجادی





پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
و روابط عمومی شهرداری تهران

مسئله شهر
مجموعه گفت‌وگوهای معماری
و مدیریت شهری و علوم انسانی

گردآورنده: سیدفاضل سجادی
ویراستار: سید حسام‌الدین حقیقیان
طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی
صفحه‌آرا: احمد الهی

چاپ نخست: ۱۴۰۳
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۰۵-۰۲-۰



نشانی:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری، پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲
شماره تماس: ۹۱۰۸۸۲۷۱



با اسکن
رسانیه از
دیجیتال‌آر
پژوهشکده
آر-اس
تسویب

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۹۱۰۸۱۰۴۴۲۸



فهرست مطالب

- ۶ مقدمه؛ مسئله و فرایند گفت‌وگوها
- ۱۳ معماری و حکمت و قدرت؛ بررسی تأثیر قدرت بر استقرار حکمت معماری در شهر
دکتر مهدی حجت (استاد معماری)
- ۴۱ کلان‌شهر و فراموشی؛ چگونه توسعه و بازآفرینی شهر از هویت جغرافیایی داستان‌زدایی می‌کند؟
مسعود ملکی (پژوهشگر تاریخ شفاهی و تهیه‌کننده سینما)
- ۶۱ شهر و تبار و آینده؛ فهم تبار شهر چگونه تصویر آینده آن را پدید می‌آورد؟
دکتر زهیر متکی (هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی)
- ۷۹ شهر و مستضعفین؛ بررسی سیاست‌های مدیریت شهری در تبدیل مستضعفان به معضل شهری
امیر محمدخانی (رئیس بنیاد معماری انقلاب اسلامی)
- ۹۹ شهر و ماجرای هنر؛ بررسی هنرهای محیطی در شهر دینی؛ از مُلک سلیمان (ع) تا انقلاب خمینی (ره)
عبدالحمید قدیریان (نقاش، مجسمه‌ساز و مدیر هنری سینما)
- ۱۱۷ شهر و جنگ؛ معماری و شهر در وضعیت جنگی چگونه باید باشد؟
مهندس فاطمه جدی (معمار و متخصص پدافند غیرعامل)
مهندس امیر احمدی (معمار و مدرس دانشگاه)
- ۱۴۱ شهر و زن؛ کلان‌شهر چگونه حیات ذهنی زنان را تغییر می‌دهد؟
دکتر عاطفه صادقی (پژوهشگر حوزه زنان انقلاب اسلامی)
دکتر شهرزاد بخشی (معاون مشارکت‌های مردمی ستاد پایش و راهبری طرح‌های توسعه شهری شهرداری تهران)
- ۱۷۱ زوال و رونق محله؛ بررسی برنامه توسعه محله شهر تهران؛ فرایندها و پیامدها
مهندس علی پورتنقی (سرپرست اداره عرصه‌های ناکارآمد شهری شرکت بازآفرینی شهری)
دکتر میشد مهبیار (معاون پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)
- ۱۸۵ سکانس آخر؛ بررسی چالش‌های بافت تاریخی تهران
دکتر علی محمد سعادت (معمار، شهرساز و شهردار سابق منطقه تاریخی تهران)
محمد مهدی کلاتری (پژوهشگر دکتری مرمت بافت و بناهای تاریخی)
- ۲۰۵ اقلیم و معماری؛ معماری چگونه با به‌کارگیری اقلیم آغاز می‌شود؟
دکتر مهدی ریسی (معمار و مدرس دانشگاه)
- ۲۲۷ تقصیر معماری در تعطیلی ایران؛ بررسی سیاست‌های ساخت و معماری در تشدید بحران گرما
دکتر زهراسادات حسینی (دبیر کمیسیون انرژی و محیط‌زیست شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان)
مهندس سیدرضا شهرستانی (عضو کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران)



مقدمه؛ مسئله و فرایند گفت‌وگوها



از ابتدای انقلاب و با شکل‌گیری حوزه هنری و ظهور هنر متعهد دینی در متن انقلاب، مباحث نظری هنر، به‌ویژه مقوله‌هایی همچون هنر دینی، هنر اسلامی، هنر متعهد، زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر، به یکی از دغدغه‌های مهم هنرمندان تبدیل شد. از دیگر موضوعات مهم برای هنرمندان و علاقه‌مندان به مباحث نظری هنر نیز عبارت بودند از: ضرورت تبیین و تفسیر و بررسی وجود افتراق و اشتراک آثار خلق‌شده با آثار هنری انقلابی و متعهد در دیگر اعصار و نقاط جهان؛ آسیب‌شناسی آثار موجود؛ جست‌وجوی مبانی هنر دینی در وجوه مختلف برای تعمیق و گسترش و استمرار هنر دینی.

در کنار فعالیت‌های خلاقه‌ای که هنرمندان انجام می‌دادند، حلقه‌های بحث و نقد و تحلیل آثار نیز به صورت غیررسمی در محیطی صمیمانه تشکیل می‌شد. ضمن آنکه تک‌کارهایی را نیز در مقوله‌های یادشده منتشر می‌کردند. کم‌کم دفاتری برای امر پژوهش شکل گرفت و سرانجام ضرورت ایجاد مرکزی که بتواند فعالیت‌های پژوهشی را در قالب صحیح علمی و سنجیدنی سامان دهد، منجر به تأسیس «مرکز تحقیقات هنری» حوزه شد.

«گروه حکمت هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی» بر آن است تا مجالی برای درنگ درباره نسبت هنر و فنون هنری با قلمرو علم و فرهنگ و سیاست

فراهم آورد تا در پرتو آن، بنیاد هویت اسلامی و ایرانی از دریچه هنر فرادید آید. برقراری گفت‌وگوی فعال میان دو ساحت علوم انسانی و هنر، از مهم‌ترین اقداماتی است که برای دستیابی به این هدف انجام می‌گیرد.

موضوع معماری و شهر را از بهار ۱۴۰۱ به مجموعه مباحث گروه حکمت هنر افزودیم. سپس برای ایجاد ارتباط با جامعه معماری و شهرسازی و نیز پرداختن به شهر از منظر حکمت ایرانی و بررسی حضور خرد معماری ایران در ایران معاصر، مجموعه گفت‌وگوهای «مسئله شهر» را سامان دادیم که گفت‌وگوهایی انتقادی میان مدیران شهری و صاحب‌نظران علوم انسانی را دنبال می‌کند. در این گفت‌وگوها می‌کوشیم مسائل موجود و مبتلابه شهرها و جامعه معماری را در فضایی علمی و به دور از درگیری‌های سیاسی و اغراض دیگر، کنکاش و بررسی کنیم. همچنین توجه دادن مدیران و مهندسان به اهمیت و ضرورت شأن علوم انسانی و فرهنگ در شهر و معماری از دیگر اهداف برگزاری این نشست هاست.

«مسئله شهر» از ابتدای تابستان ۱۴۰۱ و با هدف ایجاد فضای اندیشه‌ورزی درباره شهر، مسائل شهری و ارتباط میان مفاهیم نظری و سیاست‌های عملی و اقدامات میدان مدیران را پی گرفته است. مجموعه گفت‌وگوهای «مسئله شهر»

بیش از هر چیزی بر این محورها متمرکز است: شهر و وضعیت امروز ما را بررسی کند؛ خود شهر را مسئله‌ای در نظر بگیرد و بر آن تمرکز کند؛ موضوعاتی را که شهر بر ما عارض و موضوعاتی که شهر را تبدیل به جای دیگری می‌کند، بکاود و بررسی کند.

مجموعه‌گفت‌وگوهای «مسئله شهر» فراتر از تهران، مفهوم و موقعیتی به نام «شهر» را مهم‌ترین نیرو و شاکله سازنده انسان و جامعه ایرانی دانسته و آن را پی گرفته است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ شهرها این‌گونه بر همه شئون و حیثیت‌های زیست فردی و اجتماعی ما و حیات ذهنی و الگوهای رفتاری ما مسلط نبوده‌اند. با توجه به همین ضرورت است که نیاز داریم تا شهر را یک مسئله بدانیم و برای مسئله شهر چاره‌اندیشی کنیم. ذیل همین نگاه، یادآور می‌شویم که ما درون مسئله شهر و نه جدای از آن، موضوعات مختلف و متکثر شهر را بررسی می‌کنیم و به آنها می‌پردازیم تا این موضوعات در فهمی کلی‌تر و در نظامی به هم پیوسته دیده و درباره آن‌ها چاره‌اندیشی شود. این نگاه برخلاف رویه و روند موجود، موضوعات را جزیره‌های جدا از هم نمی‌داند؛ زیرا نقصان‌ها و پیامدهای آسیب‌زای آن در بدتر شدن وضعیت شهر و حال جامعه را می‌توانیم رصد کنیم و به تماشا بنشینیم.

از سوی دیگر، در روند شهرنشینی با نیروهای متعدد و قدرتمندی فراتر از توان و اختیارات مدیریت شهری مواجه‌ایم. آبروندهایی نظیر مهاجرت و اقتصاد و تغییر سبک زندگی، هرکدام پیامدهای گسترده و مهمی را بر شهرها تحمیل کرده‌اند. اما قدرتمندی این نیروها به این معنا نیست که باید در مقابل آن‌ها تسلیم شد یا همراه آن حرکت کرد؛ بلکه حساسیت و ضرورت فهم بهتر از وضعیت جاری و پرتنش میدان را در نوع نگاه به شهر و انتخاب ایده‌ها و سیاست‌های حاکم بر تصمیمات و فعالیت‌ها و طرح‌های شهری پررنگ‌تر می‌کند. به همین دلیل، مسئله شهر، موضوعات خود را در تعامل و کشمکش

با این ابروندها و نیروها تعریف می‌کند. از سوی دیگر، با نگاه خیال‌با فانه به جنگ آسیاب‌های بادی نرفته است و آثار واقعی و حضور این ابروندها را در همه گفت‌وگوها و طرح بحث‌های خود لحاظ می‌کند.

طی دو سال برگزاری نشست‌های مسئله شهر، ۴۴ موضوع را به گفت‌وگو نشستیم. ایده اصلی در این مسیر پرهیز از تک‌صدایی و تنگ‌نظری بوده است؛ پس تنوعی از صاحبان سلیق و افکار و دانش را به این رویدادها دعوت کردیم و رویکردهای مختلف به موضوعات را بررسی و مطرح کردند. این تکرار به معنای تشمت و پراکنده‌گویی نبوده است؛ بلکه کوشیده‌ایم تا توجه به رسالت پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و مأموریت گروه حکمت هنر، حیات جمعی مبتنی بر فرهنگ ایرانی اسلامی در شهر تهران را روایت و از آن مراقبت کنیم.

همچنین موضوعات در فضایی خالی و انتزاعی طرح و بررسی نمی‌شدند و بی‌تفاوت به صحنه زندگی شهر نبوده‌اند؛ بلکه در نسبت با میدان و در واکنش به وقایع، فعالیت‌ها، تصمیمات و سیاست‌های جاری در شهر یا کشور انتخاب می‌شدند و درباره آن‌ها تعاطی افکار انجام می‌شد. نگاهی به زمان‌های برگزاری نشست‌ها و موضوعات مطرح شده حاکی از این توجه است.

موضوع دیگری که در مسئله شهر به آن توجه داشته‌ایم، مراقبت از دخالت نظر و نگاه سلبی یا ایجابی به موضوعات و قضاوت پیشینی درباره آن‌ها بوده است. به همین دلیل، همواره کوشیده‌ایم تا این موضوع را هم در دعوت از مهمانان و هم طرح پرسش‌ها و هم مدیریت نشست‌ها رعایت کنیم و فضای گفت‌وگو به محکمه‌ای یک‌طرفه تبدیل نشود.

موضوع بعدی در برگزاری نشست‌ها این بود که به دنبال پاسخ‌های سریع و رسیدن به پاسخ‌های از پیش تعیین شده نبودیم؛ بلکه ذیل عنوان اصلی نشست‌ها، یعنی مسئله شهر، کوشیدیم در این گفت‌وگوها مسئله‌کردن موضوع را پیگیری کنیم و پرسش‌های اصلی هر کدام از موضوعات را بیابیم. پرسش‌هایی که

هرکدام جنبه‌هایی از مسئله را بسازد و مسئله از همهٔ جهات دیده شود تا مدیران با دید جامع‌تری به تصمیم‌گیری و سیاست‌پردازی مشغول شوند. همچنین کوشیدیم جایگاه و ضرورت و آثار هر مسئله را تبیین کنیم تا نظام جامع تصمیم‌گیری و مدیریت شهری با حساسیت بیشتری به هرکدام از موضوعات بپردازد. نکتهٔ دیگری که باید به آن اشاره کنیم، توجه به همهٔ پهنهٔ ایران در مسئلهٔ شهر بوده است. از مهم‌ترین آسیب‌های این‌گونه فعالیت‌ها، غلبهٔ تهران‌زدگی و نگاه تهران‌پره به موضوعات است. ما در مسئلهٔ شهر با بوم متنوعی به نام ایران مواجه‌ایم که مسائل تهران در بسیاری از مناطق و نواحی آن موضوعیتی ندارد و نیاز است تا از درون آن و با شناخت همان ناحیه و بوم به آن مسائل توجه کرد. به همین دلیل، بخشی از این گفت‌وگوها را در شهرهایی غیر از تهران و با موضوعاتی غیر از تهران پی گرفتیم.

همچنین در این گفت‌وگوها مسئلهٔ حکمت معماری ایران در شهر را پی گرفتیم. نخواستیم نوستالژی‌بازی در بیاوریم و از خاطره‌های تاریخ و از مویه‌کردن بر فقدان و فراق بگوییم. موضوع این است که هنوز هم حکمت معماری ایرانی در دل، اندیشه، اثر، اساتید و معلمان ما وجود دارد که دل در گرو ایران دارند، حرفه‌ای کار می‌کنند، اهل بازار نشده‌اند و شأن و شرف معماری را در نظر می‌گیرند. مسئلهٔ ما این بود که چطور این مسئله را در شهر پی بگیریم که این حکمت و دانش در شهر مستقر شود. اما فراتر از همهٔ آنچه در این نوشتار دربارهٔ شیوه، نگاه، موضوعات و مهمانان مسئلهٔ شهر بیان کردیم، باید بگوییم در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که جهان شاهد سه واقعهٔ مهم و اثرگذار در پهنهٔ جغرافیایی و فرهنگی ایران بوده است. سه واقعه‌ای که در امتداد هم باید دیده شوند و در تصمیمات و سیاست‌های مدیران و متفکران شهر باید به آن‌ها اعتنای جدی شود: انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس و اربعین‌های عظیم. این مسیر نورانی مهم‌ترین عنصر شکل‌دهندهٔ ایران جدید و نیز اساسی‌ترین جریان فکری و فرهنگی و اجتماعی در زمانهٔ ماست. توجه به این جریان و میراث

زنده در طرح موضوعات مسئله شهر، خوانش متفاوتی از روند موجود فهم حیات جمعی و اداره شهر را برای ما رقم زده است. برای تقویت و غنای این خوانش، توجه به مفاهیم از منظر قرآنی و دقت در گوییش قرآن رویکردی مهم برای ما بوده است. آنچه در این دفتر منتشر می شود، بخشی از این رویدادهاست که مسئله تهران را بررسی می کند. گفت وگوهای مسئله شهر در رابطه با مسئله تهران سه گونه از مباحث را در دستور کار خود قرار داده است:

گونه اول گفت وگوها به خود تهران می پردازد و موضوعات جاری در اداره و اصلاح تهران را پیگیری می کند؛ موضوعاتی که به معضلات کهنه تهران بدل شده اند یا مدت ها است آن ها را راهکار نجات تهران برمی شمارند. این موضوعات از سه جنبه برای ما در مسئله شهر مهم بودند: نخست، چرا این معضلات این گونه به زخم کهنه تهران بدل شده اند و تیم های مدیریتی مختلف نتوانسته اند چاره ای برای آن بیابند؛ دوم آنکه تجربه های شکست در حل معضلات گذشته، نظیر نواب و بلندمرتبه سازی ها، چرا به جای اصلاح معضل به هیولای فرانکشتاین جدید در شهر تبدیل شده اند؛ موضوعاتی نظیر بافت فرسوده یا محله گرایی و طرح های نظیر تی اودی.

در گونه دوم با توجه به اینکه تهران یک کلان شهر است و به واسطه همین ماهیت وجودی، آثار و پیامدهایی را بر ساکنان شهر و نحوه اداره و مدیریت شهر جریان می دهد، به اثر کلان شهر بر موضوعات مختلف می پردازیم تا بتوانیم شناخت بهتری از مقولات مختلف به دست آوریم. زیستن و بودن در کلان شهر و ابرزیست گاهی مانند تهران در سال ۲۰۲۳ میلادی یا در قرن جدید شمسی، مقتضیات خودش را دارد و فضای ذهنی و نوعی از بودن و نوعی از شخصیت سازی را بر ساکنانش تحمیل و ما را وادار به نوعی از حضور در شهر می کند؛ موضوعاتی مانند اثر کلان شهر بر حیات ذهنی زنان. هر شهری برای ایجاد و نگه داشت بر مؤلفه هایی استوار است که نوع مواجهه با این مؤلفه ها

و میزان مراقبت از آن‌ها کیفیت شهر را متمایز می‌کند؛ از این رو، گونه سوم گفت‌وگوها در «مسئله شهر» به مؤلفه‌های ساخت شهر می‌پردازد؛ نظیر اقلیم. جمع میان این سه گونه و اندیشیدن درباره آن‌ها در میدان مشترک عمل و نظر میان مدیریت شهری و اصحاب دانشگاه و علوم انسانی می‌تواند کمک کند تا با در نظر گرفتن میزان مراقبت از مؤلفه‌های سازنده شهر و پیامدهای کلان شهر بر ساکنان، طرح‌ها و تصمیمات و سیاست‌های شهری با کیفیت‌تر شوند.

شهرداری تهران همواره نگاهی جدی به حوزه علم و گفت‌وگوهای نظری در خصوص موضوعات مختلف شهر داشته است. مرکز مطالعات شهر تهران و دفاتر مطالعاتی معاونت‌های شهرداری گواه این موضوع‌اند و گفتارها و متون متعددی در این راستا تولید کرده‌اند. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی نیز این کتاب را به سفارش شهرداری تهران و در همین مسیر و پیرو همین دغدغه تدوین و آماده کرده است.

معماری و حکمت و قدرت؛ بررسی تأثیر
قدرت بر استقرار حکمت معماری در شهر
مهمان: دکتر مهدی حجت (استاد
معماری)

• سیدفاضل سجادی: در این گفت‌وگو می‌خواهیم از حکمت معماری ایران در شهر صحبت کنیم. نمی‌خواهیم از خاطره‌ها بگوییم و بر فقدان و فراق ازدست‌داده‌ها مویه کنیم. حکمت معماری ایرانی هنوز در دل و اندیشه و اثر اساتید ما وجود دارد. پرسش نشست کنونی ما این است: چه کنیم تا این حکمت و دانش در شهر مستقر شود؟ در این گفت‌وگو به آنچه اکنون در کمیسیون ماده ۵ می‌گذرد نیز توجه می‌کنیم. نخست از موضوع قدرت و معماری آغاز می‌کنیم؛ زیرا هرچه در عرصه معماری و شهر می‌گوییم و به آن می‌اندیشیم و آموزش می‌دهیم، در نهایت باید بر زمین مستقر و ساخته شود و در معرض عموم قرار بگیرد. شاید یک نقاشی یا یک موسیقی را بتوان در کنج خلوت ایجاد کرد و در کنج خلوت به تماشایش نشست، اما تمام شهر و معماری برای بودن نیازمند قدرت حاکم است. در طول تاریخ هرگاه حاکمیت و مدیران و اصحاب ثروت هر کشوری به سمت فهم معماری قدم برداشته‌اند و معماری برایشان ارزش داشته است، معماران آثاری را خلق کرده‌اند که قله‌های فرهنگی و هنری معماری جامعه بوده است و تمدن را بر زمین مجسم کرده‌اند. هرگاه آن الگو در جامعه و شهر و کشور جریان می‌یابد، به بافتی ارزشمند تبدیل می‌شود. دلیل آنکه امروز به اصحاب قدرت می‌پردازیم، نه به دلیل نیازمندی‌مان یا بدهکاری به آن‌هاست، بلکه از این نظر است که آن‌ها وظیفه‌ای دارند. حدود بیست سال پیش می‌گفتند: «بعضی از اصحاب قدرت معمارها را نمی‌فهمند و

می‌توان سرشان کلاه گذاشت». اما اکنون در زمانی هستیم که سانتیمترها قیمتی میلیونی پیدا کرده‌اند؛ از این رو، نهادهایی که باید حافظ جامعه انقلاب و ایده انقلاب و شأن آینده این سرزمین باشند، خودشان به جان این شهر افتاده‌اند. چطور باید حکمت را از طریق قدرت بر زمین مستقر کرد؟ آقای دکتر حجت علاوه بر شأن معلمی و تجربه گران سنگ در این رشته، نخستین رئیس میراث فرهنگی در بعد از انقلاب‌اند. ایشان در دوره‌ای معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران بودند و زمانی نیز در صداوسیما معاون بودند. به عبارتی، ایشان جمع میان معلمی و حرفه‌ای‌گری و مسئولیت را دارند. از دکتر حجت می‌خواهم تا نخست نسبت معماری با قدرت را مشخص کنند. در گذشته اگر سپه‌سالار نبود، مسجد سپه‌سالاری در کار نبود. اگر گوهرشاد نبود، مسجد گوهرشاد ساخته نمی‌شد. اگر بلندمستی و پشتکار برخی مسئولان نبود، اکنون بسیاری از ساختمان‌های شاخص و ماندگار کشور وجود نمی‌داشت. اگر آن مسئول فهمی از معماری و هنر داشت، این ساختمان‌ها و آثار معماری جایگاه دیگری می‌داشت.

● مهدی حجت: زمانی نزدیکان نادرشاه افشار به او گفتند: «شما کجا بودی که ما این قدر ذلت کشیدیم؟». او گفت: «شما کجا بودید؟». این سخن مشهوری است. شما از قدرت و صاحبان قدرت می‌گویید و بر آن تأکید می‌کنید، نخست باید بدانیم خود قدرت کجاست؟ به طور اجمالی، کسانی که صاحب قدرت‌اند و متولیان دولت، در بهترین شرایط با رأی مردم انتخاب می‌شوند؛ پس قدرت دست کسانی است که این مسئولان را انتخاب می‌کنند. مردم با انتخابشان به فعالیت‌های شهر جهت می‌دهند. شهر از اینجا شروع می‌شود.

صاحبان قدرت و متولیان امور در ایجاد معماری و معماری شهر مؤثر مطلق نیستند. این افراد اثرگذارند، ولی نه به طور مطلق. در دوره‌ای آدم‌هایی بودند که فهم دقیق‌تری به امور معماری داشتند و کارهای بهتری انجام دادند. وقتی

پادشاه مغول که صاحب قدرت است، کسی را وزیر خودش انتخاب می‌کند که شاخص همه معارف است، بنابراین فهم لازم در این زمینه را دارد. برعکس این موضوع نیز صادق است. حضرت آقا فرمودند: مجموعه مملکت آمریکا با این همه جمعیت، وقتی رئیس جمهوری مثل ترامپ را انتخاب کند، همان طور اداره می‌شود. بنابراین مسئله اصلی این است که تمایل و درک عمومی مردم از محل زندگی شان چیست؟ مردم بر اساس خواسته و درکشان انتخاب می‌کنند که البته ممکن است درصدی از انحراف را داشته باشد. اگر خواسته مردم معقول و مناسب‌تر باشد، منتخبان وقتی به قدرت می‌رسند، برای اینکه خودشان را خوب معرفی کنند، ممکن است کارهای دیگری هم انجام دهند.

شهر وقتی به وجود می‌آید که مردم آن شهر بدانند چه توقعی از سکناگزیدن دارند و مقصودشان از استقرار در یک مکان و زندگی کردن چیست. آیا به دنبال زندگی مادی کاملاً مرفه‌اند؟ اگر مسابقه اقتصادی سختی شکل بگیرد، چه خواهند کرد؟ چرا کمیسیون ماده ۵ ما این طور است؟ آنچه می‌تواند در کمیسیون حاکم باشد، این است که چه کسی چقدر می‌برد؟ زیربنای خانه چقدر شده است؟ تراکمش چقدر است؟ همه‌اش این‌هاست. اینکه چه کیفیتی ایجاد می‌کند، کمتر محل بحث قرار می‌گیرد. باید افراد فاضلی باشند که به این بخش هم توجهی نکنند. مسئله ویژه این است که مردم شهر را می‌سازند و ممکن است حکام آن شهر نیز آن را تأیید کنند. حکام مطلقاً نمی‌توانند کاری غیر از خواسته مردم انجام دهند؛ زیرا هم منتخب مردم‌اند و هم قائل به بقا و می‌خواهند ادامه حیات بدهند؛ از این رو، باید از خواست عمومی مردم پیروی کنند. دلیل اینکه شهر شکل نامناسبی دارد، توقع مردم از محل سکنایشان است. آن‌ها می‌خواهند با آن کاسپی کنند یا فخر بفروشند یا آسایششان را تأمین کند؛ ولی آرامششان چندان برای آن‌ها مهم نیست. پس باید سراغ مردم و زندگی مردم برویم. بارها عرض کرده‌ام که معماری شهر آینه زندگی مردم است. معماری مثل آینه‌ای است که

مقابل خانواده‌ای یا فردی یا کالبد شهر قرار دارد و عیناً تصویر آن را منتقل می‌کند. هرگز نمی‌توانید دستتان را به داخل آینه ببرید و تصویرش را عوض کنید. تنها راه این است که شخص مقابل آینه را عوض کنید. شهر محصول مردم آن است. توقع مردم از شهر و اقتضائاتی که در نظر دارند، تجلی پیدا می‌کند و شهر می‌شود. حقیقتاً شهر تهران آینه وضعیتی است که مردم شهر تهران دارند. قبول دارم که شهر در ساخته شدن مردم مؤثر است. همچنین قبول دارم مردم در ساختن شهر مؤثرند. اما این را قبول ندارم که معماری و شهرسازی قدرتی دارد که برخلاف خواست مردم، معماری خوبی را ایجاد کند. معماری هرگز نمی‌تواند بدون توجه به خواست مردم بنایی را بسازد که بتواند جامعه را اصلاح کند. این محال است. نخست باید جامعه را اصلاح کنیم.

وقتی از شهر صحبت می‌کنیم باید تعریف دقیقی از آن داشته باشیم. اگر منظورمان از شهر «مدینه» است، مدینه از مدنیت می‌آید. آن سوی دنیا هم که از «سیویل» صحبت می‌کنند، همان تمدن و مدنیت است. بین شهر و تمدن چه نسبتی برقرار است؟ تمدن یعنی چه که مدینه از آن زاییده می‌شود؟ وقتی پیغمبر خدا به مدینه می‌روند، فقط مکانی نیست که اسمی دارد، بلکه یک ساحت است. ایشان از ساحتی وارد ساحت دیگری می‌شوند که بشریت را به آن ساحت دوم که مدینه و مدنیت است، دعوت می‌کنند. یعنی افرادی که در کنار همدیگر قرار می‌گیرند، باید بتوانند مصلحت و صلاح و صلح را در قبال همدیگر رعایت کنند. قانون کشور ما این است که اگر جمعیت از تعدادی بیشتر شد، شهر است؛ یعنی وقتی تعداد افراد از حدی بیشتر می‌شود، تعاملی بین آن‌ها شکل می‌گیرد که دیگر نمی‌تواند بدون آن زندگی کند؛ این تمدن است. یعنی من باید زباله‌هایم را رأس ساعت نه بیرون بگذارم. از ساعتی به بعد نباید در آپارتمانم سروصدای زیاد تولید کند. باید سر چهارراه بایستم. تمدن و مدنیت، یعنی رسیدن به جایگاهی که بتوان مراعات دیگری را کرد.

رعایت قوانین شهری برای آن است که تو باید بگذاری دیگران زندگی کنند تا آن‌ها بگذارند تو زندگی کنی. زندگی هر فرد در گرو زندگی دیگران است. این در تمام امور گسترش پیدا می‌کند.

آرزو دارم روزی این امکان فراهم شود که یک نفر به خاطر شکل ساختمانی در دادگاه شکایت کند و بگوید: «این شکل ساختمان، بچه من را منحرف می‌کند یا بچه من را شلخته و بی‌اعتبار بار می‌آورد» و دادگاه به این شکایت رسیدگی کند. یعنی مردم درباره تمام سازه‌های اشتباه و نازیبای شهر پرسشگر باشند. چرا این درخت را وسط جوی آب کاشتید؟ چرا آنجا پل مناسب نگذاشتید؟ چرا جلوی دبیرستان کاری نکردید که بچه‌ها تصادف نکنند؟ و هزاران چرای دیگر. همه این‌ها یعنی تمام نقایص زندگی جمعی باید برطرف شود. همه حق دارند از این کاستی‌ها شکایت و آن‌ها را برطرف کنند. لازمه تحقق این امر آن است که باید بخواهند و باید این را بفهمند. متأسفانه در این وادی گرفتار شده‌ایم که وقتی کسی ساختمان عجیب و نازیبایی می‌سازد، دیگران می‌گویند: «چقدر متفاوت است!». همین که متفاوت است، به نظرشان جالب می‌رسد.

تا زمانی که اخلاقیات موجود در جامعه اصلاح نشود و آرام آرام زمینه‌های درک عمومی از شرایط زندگی معقول و مطلوب برای آحاد افراد فراهم نشود، امکان اینکه معماری خوب یا شهر خوب داشته باشیم، فراهم نمی‌شود. این امر محال است. وقتی وارد اتاق کسی می‌شویم و می‌بینیم پر از کتاب است یا پر از گل و گلدان است یا میز غذاخوری دارد، یعنی این آدم خیلی واضح است. وقتی آدمی به معماری سفارشی می‌دهد که آن معمار هم نمی‌تواند آن سفارش را متوجه شود و قدرت و قوانین و نیروهای بیرونی حاکم بر معماری و نیروهای درونی با هم فشار می‌آورند تا آن سازه را بسازند، یعنی همه با هم دست‌اندکارند تا فضاحتی شکل بگیرد. باورکردنی است که کسی می‌آید و می‌گوید: «طرحی می‌خواهم تا چشم با جناقم کور شود». چنین شخصی دنبال

کار معقولی نیست. این گونه می‌توان با نگاه به شهر دید که آپارتمانی تمام داخل اتاق هایش پیداست. اگر زنگ بزنید، خانم یا آقا می‌آید پشت در؟ اگر در یزد زنگ یکی از خانه‌ها را بزنید، توقع دارید چطور آدمی بیاید؟ بسیار روشن است. ظرف مظروف خودش را تعریف می‌کند. مشخص است که در آن خانه چه آدمی زندگی می‌کند و در این خانه چه آدمی. تا این‌ها تغییر پیدا نکند، آب در هاون می‌کوبیم. جامعه باید تغییر کند و اصلاح شود. این در صورتی است که تعداد زیادی معمار باشند و در کاسی کردن هم محتاط و حاضر باشند با نان و پنیری بسازند، ولی برای مردم کار خیر کنند. اگر در حدی که قواعد شرعی و طمع کارفرما و... اجازه می‌دهد، بتوانند اندکی بهتر کار کنند، بله می‌توان زندگی مناسبی داشت. جالب اینجاست که افراد پس از زندگی در این خانه‌ها، تشکر می‌کنند و می‌گویند: «عجب! چقدر خوب است!».

در سال‌های ۴۸-۴۹ که اوایل کارهای معماری ام بود، فردی در کاشان به من گفت: «خانه سبک تهرانی می‌خواهم». من را قبول داشت. برای او خانه خوبی درست کردم که با موازین آن شهر هم سازگار بود. بعد از چند سال فامیل‌های او تلفن می‌کردند و می‌گفتند: «ا! چقد خوبه! چقد خنکه!». طی این سال‌ها مردم طرح‌های خوبی سراغ ندارند و شرایط اجتماعی نیز تغییر کرده است. معماران خوب ما باید شکل معمول و معقول معماری را تا جای ممکن به جامعه القا و در مقابل خواسته‌های نامعقول مردم مقاومت کنند. ممکن است کسی بگوید: «بالکن گذاشتی؟! بالکن را که من نمی‌توانم بفروشم. اطرافش را ببند که به زیربنا اضافه‌اش کنم و بتوانم پول بگیرم»، معماران ما باید مقاومت کنند. این کار نیازمند مطالعه و کار رسانه‌ای است. صداوسیما در ترویج نوع معماری بسیار بااهمیت است. زمانی به دست‌اندارکان گفتیم: «در این فیلم شما، آقا کفاش است و خانمش هم خانه‌دار. چطور آشپزخانه‌اش به اندازه پذیرایی خانه ماست؟». آن زمان دوربین‌ها سه پایه بود. گفتند: «دوربین در

خانه آن قدری جانمی شود. باید جایی باشد که بتوانیم دوربین‌ها را و بوم صدا و... را در خانه جا دهیم. ناچاریم که فضا بزرگ باشد». تقریباً در همه خانه‌ها و خانواده‌هایی که صداوسیما نشان می‌دهد، بین خانه و افراد ساکن در آن تناسبی نیست. یعنی تعلیم‌دهنده نیست. یاد نمی‌دهد که این‌طور باید زندگی کرد. تقریباً تا سال‌های ۳۵-۴۰ پنجره‌های خانه‌ها تا پایین بود و روی فرش می‌نشستیم. از کودکی من بود که زیر پنجره‌ها دیوار شد و به آن می‌گفتند: «پنجره مهندسی». یک متر زیر پنجره دیوار داشت و بالایش پنجره بود. پیش از آن همه پنجره‌ها تا پایین بود. در آن سال‌ها معماری جدیدی را اقتباس کردیم. زندگی مان نشستن روی زمین بود؛ زیرا در ایران زمین خشک است و با تمهیداتی مثل فرش، روی زمین می‌نشستیم و زندگی می‌کردیم. آن سوی دنیا که چون زمین خیس است، شکل دیگری از معماری را رواج دادند و البته دلایل دیگری هم دارد. امروزه تقریباً هیچ فیلمی را نمی‌بینید که در آن زندگی سرپا نباشد. دیگر زندگی نشسته روی زمین نداریم. همه زندگی‌ها شده زندگی روی صندلی. این صندلی است که پنجره را آن‌شکلی می‌کند و پنجره آن‌شکلی است که صندلی را به وجود می‌آورد. روابط اجزا در معماری است که تغییرات این‌چنینی را ایجاد می‌کند. نمی‌گویم غلط یا درست است؛ می‌گویم این‌گونه کم‌کم طی پنجاه سال شکلی از معماری فراگیر می‌شود که نمای بیرونی و داخلی تغییر پیدا می‌کند. اگر امروز معمارانی بخواهند شکلی از زندگی به آن شکل را فراهم کنند، می‌توانند آرام‌آرام این کار را انجام دهند تا وضعمان فرق کند.

امروزه هر کاری که در غرب می‌کنند، از آن استقبال می‌کنیم. مثلاً می‌گویند: «در آشپزخانه لوله‌کشی کرده‌اند و شیر را که باز می‌کنید، از آن نون درمی‌آید». می‌گوییم: «خیلی خوب. دیگر بهتر از این چه می‌شود»؛ درحالی‌که در خانه‌های قدیمی، خانه شأنی داشت و وقتی ابتدا وارد پذیرایی می‌شدید و می‌نشستید. اگر هم می‌خواستید به دستشویی بروید، به آن طرف حیاط در زیرزمین می‌رفتید.